



تحليل و مقایسه نوع تمایلات شیعی مولف الفتوح و مترجم فارسی آن

پدیدآورده (ها) : عباسی، علی اکبر؛ کشانی، نجمه
تاریخ :: پژوهشنامه تاریخ تشیع :: تابستان 1396 - شماره 2 (علمی-پژوهشی)
از 93 تا 119
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1310643>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 26/07/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



تحلیل و مقایسه نوع تمایلات شیعی مؤلف/الفتوح و مترجم فارسی آن

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۹۳

علی اکبر عباسی^۱

نجمه کشانی^۲

چکیده

کتاب الفتوح ابن اعثم کوفی (د. حدود ۳۱۴) از منابع مهم تاریخ اسلام است. این کتاب به قلم محمد بن احمد مستوفی هروی (د ۵۹۶) به فارسی ترجمه شده است. جدا از تفاوت‌های متن اصل عربی با ترجمه آن، به لحاظ گرایش‌های مذهبی، تفاوت‌هایی در اصل عربی و ترجمه فارسی وجود دارد. پرسش اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل نوع گرایش‌های مذهبی نویسنده و مترجم و کاربرد آنها در تألیف یا ترجمه است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا نشان داده شد مؤلف و مترجم، هیچ کدام شیعه نبوده اما تمایلات شیعیانه داشته و از اخبار و متون مورد علاقه شیعیان بهره‌مند بوده‌اند؛ گرچه در مجموع، گرایش شیعی مترجم بیشتر است و در موارد معدودی در متن عربی نیز تمایلات شیعی چشمگیری ملاحظه می‌شود.

کلید واژه‌ها

الفتوح، ابن اعثم کوفی، مستوفی هروی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). Aa-abbasi-z@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد شیعه‌شناسی دانشگاه اصفهان. nkeshani313@gmail.com

دریافت: ۹۶/۰۳/۲۰ پذیرش: ۹۶/۰۶/۰۴

مقدمه

یکی از مورخان سده سوم و اوایل قرن چهارم هجری، ابن اعثم کوفی است که با نوشتن کتاب الفتوح مورد توجه قرار گرفته است، اما با این همه بسیار کم به زندگی او پرداخته شده است و حتی در مورد گرایش های مذهبی او اختلاف نظر وجود دارد چنان که یاقوت حموی او را مورخی شیعی می داند (یاقوت، ۹۲/۱) و شوشتری او را شافعی مذهب خوانده است (شوشتری، ۲۷۸/۱) و مجلسی کتاب الفتوح ابن اعثم را در فهرست کتب اهل تسنن قرار داده است (مجلسی، ۲۵/۱). در مورد ترجمه کتاب نیز باید گفت، که در قدیم، مترجمان رعایت امانت نمی کردند و از اسنادی که مؤلف ندیده بود بهره مند می شدند و متن اصلی را در مواردی تغییر می دادند. مترجم کتاب الفتوح، ابتدا محمد بن احمد مستوفی هروی بود و کار نیمه تمام او را محمد بن ابی بکر به پایان رساند. مترجمان در هنگام ترجمه این کتاب دخل و تصرف هایی داشته و گاهی متن را کاملاً تغییر داده و گاهی قسمتی از آن را حذف یا بدان اضافه کرده اند که بیشتر این تغییرات را می توان حاصل گرایش های مذهبی این دو دانست. دغدغه این تحقیق بررسی تفاوت های الفتوح و ترجمه آن با هدف شناخت سلاطین علایق مذهبی مؤلف و مترجم و تفاوت این گرایش ها در این دو کتاب متعلق به قرن چهارم و ششم است.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۹۴

ابن اعثم کوفی و کتاب الفتوح

ابو محمد احمد بن علی اعثم کوفی کندی (د ۳۱۴) محدث، شاعر و مورخ بزرگ قرن سوم و چهارم هجری است. نویسندگان قدیم حتی در نام و نسب وی اختلاف دارند؛ برخی نامش را احمد و برخی محمد دانسته اند. همچنین لفظ اعثم را که لقب پدر او بوده است گاهی درباره خود او یعنی "ابن اعثم" به کار برده اند. از میان منابع قدیمی تنها معجم الادباء یاقوت حموی (۹۲/۱-۹۳) است که اشاره ای مختصر به شرح حال وی کرده است. پس از او، ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان (۱۳۸/۱) گفته های یاقوت را نقل کرده است. در منابع متاخر نیز مطالب مفیدی که اطلاع تازه ای در اختیار محققان قرار دهد به چشم نمی خورد (طباطبایی مجلد، ۱۴). در مورد مذهب ابن اعثم نیز اختلاف وجود دارد؛ برخی

مذهب او را شیعه دانسته‌اند، از جمله یاقوت حموی (۹۲/۱)، شیخ آقابزرگ تهرانی (۲۲۱/۳)، محمدعلی مدرس تبریزی (۲۵۱/۵)، بروکلیمان (۵۵-۵۶) و اشپولر (۲۳/۱)؛ ولی قاضی نورالله شوشتری او را شافعی مذهب می‌داند (شوشتری، ۲۷۸/۱). یکی از محققان معاصر در این باره می‌نویسد: "با مرور بر کتاب الفتوح، اتهام تشیع امامی و یا زیدی و اسماعیلی رد می‌شود زیرا درباره خلفای نخست مطالب زیادی آورده‌است. در عین حال واقعیاتی را نیز که به کار شیعیان می‌آید، فراوان در خود جای داده‌است. این مسئله به تشیع عراقی او باز می‌گردد. درباره راویان و اخباریان کوفی، می‌باید اصل را بر تشیع گذاشت. ابن اعثم نیز باید متأثر از این نوع خاص از تشیع باشد. نگاهی به مسائل تولد امام حسین علیه السلام و رفت و شد فرشتگان و خبر دادن جبرئیل از شهادت امام حسین علیه السلام و چگونگی این نقل‌ها نشان می‌دهد که وی از مآخذ حدیثی شیعی عراق استفاده کرده و بدون تغییر در لحن، آن مطالب را آورده‌است" (جعفریان، ۲۳۸).

کتاب الفتوح ابن اعثم به نام‌های مختلف از جمله فتوحات شام، الفتوح و تاریخ فتوح نیز نامیده شده‌است. اصل کتاب الفتوح که به زبان عربی است در اوایل قرن چهارم هجری نوشته شده‌است و برای تاریخ قدیم عرب و اسلام از زمان رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله تا زمان خلافت هارون الرشید به ویژه در مورد آن چه مربوط است به عراق، فتح خراسان، ارمنستان، آذربایجان و جنگ‌های اعراب با خزرها و نفوذ و گسترش اسلام در ایران و روم شرقی، منبع مهم و قابل اعتمادی است. ارزش کار ابن اعثم در تالیف و تصنیف کتاب الفتوح در این است که وی علاوه بر روایت اقوال مورخان و محدثان ثقه از جمله مدائنی، واقدی، ابومخنف و ابن کلبی، تمام شنیده‌ها و دریافت‌های خویش را به صورت روایت تاریخی مسلسل در آورده‌است. در نتیجه جریانات تاریخی دوران بعد از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به صورت یک‌نواخت در اختیار خواننده قرار می‌دهد (طباطبایی مجد، ۱۱).

مترجم کتاب الفتوح

در خصوص این‌که کتاب الفتوح توسط یک نفر به فارسی برگردانده شده‌است یا دو نفر، بین اهل تحقیق ابهام و شک وجود دارد؛ دسته‌ای معتقدند مترجم اول کتاب، محمد

بن احمد مستوفی هروی، در آغاز ترجمه کتاب یعنی به زمان ترجمه وقایع خلافت ابوبکر، جهان را وداع کرد و کار نیمه تمام او را محمد بن احمد بن ابی بکر مایبژنابادی، طبق همان دستور امیر خوارزم و خراسان به مترجم اول که از او در مقدمه اش یاد کرده، تمام کرده است. استناد این دسته به مقدمه ای است که در بعضی نسخ خطی وجود دارد، در این مقدمه به وجود مترجم دوم تصریح شده است (طباطبایی مجد، ۱۸). اما درباره مشخصات مترجم اصلی کتاب و علت و انگیزه پرداختن وی به کار ترجمه باید گفت، متن توسط محمد بن احمد مستوفی هروی در سال ۵۹۶ در تایباد خراسان به فارسی برگردانده شده است. از اوضاع و احوال مترجم کتاب مانند مؤلف آن چندان اطلاع دقیقی در دست نیست. طبق گفته خود مترجم، او کار ترجمه کتاب را بنا به دستور صدری از صدور دوران خوارزمشاهیان که "افتخار اکابر خوارزم و خراسان" بوده شروع کرده است، که هیچ اطلاع دقیق و روشنی درباره این وزیر خوارزمشاهیان در دست نیست (طباطبایی مجد، ۱۹). درباره ترجمه باید گفت که در ظاهر تفاوتش با متن اصلی عربی در این است از ابتدا تا پایان شهادت امام حسین علیه السلام ترجمه شده است و مابقی آن یعنی از پایان قیام امام حسین علیه السلام تا خلافت هارون الرشید ترجمه نشده است. در ادامه به بررسی و تحلیل تفاوت های متن عربی و متن ترجمه فارسی می پردازیم.

مقایسه اصطلاحات و الفاظ به کار رفته در دو متن

با توجه به بررسی های انجام شده در دو متن، خاصه در ترجمه تفاوت هایی از لحاظ به-کار بردن اصطلاحات و الفاظ برای شخصیت ها وجود دارد که به شیعه نزدیک تر است. برای مثال، پس از ذکر نام حضرت محمد در ترجمه نشانه "ص" به کار برده شده اما در متن اصلی بیشتر جاها از عبارت "صلی الله علیه وسلم" استفاده شده است. البته در موارد کمی در متن اصلی می توان "صلی الله علیه و سلم و آله" را نیز پیدا کرد (ابن اعثم، ۱/ ۱۰۵، ۲/ ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۹۱، ۲۳۵، ۳/ ۱۶۹) که نشان از ارادت نویسنده به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است. اگرچه احتمال دارد که اینها از افزوده های ناسخان باشد.

در مورد الفاظ و اصطلاحاتی که برای حضرت علی علیه السلام به کار برده شده مترجم بیشتر لفظ (ع) و "علیه السلام" و حتی از اصطلاح "امیرالمؤمنین" برای وی استفاده می کند: "...آن-

گاه صدیق روی به سوی امیرالمؤمنین علی (ع) کرد... (مستوفی هروی، ۵۴). این درحالی است که در متن اصلی برای وی تعابیری چون "کرم الله وجهه" (همان، ۶/۱؛ ۲۷۶/۴)، رضی الله عنه (همان، ۸۰، ۱) و گاهی "رضوان الله علیه" به کار رفته است (همان، ۲/۲۳۹). البته در مواردی نیز لفظ "علیه السلام" را نیز برای حضرت علی علیه السلام به کار برده است (همان، ۲۲۴/۱؛ ۳۳/۱؛ ۲۹۴/۲؛ ۳۳۲/۲). همچنین مترجم صفت‌هایی را گاه برای حضرت علی به کار برده که در متن اصلی به کار برده نشده، برای مثال در قسمتی که مربوط به مشورت عمر با علی علیه السلام در مورد فتح دماوند است در ترجمه آمده "علی (رضی) که معدن علم و مرکز فضل بود" (همان، ۲۳۴). همچنین در متن نامه که امام علی علیه السلام به جریر بن عبدالله بجلی می‌نویسد مترجم واژه "امامت" را در کنار خلافت آورده است و می‌نویسد: "... واقعه امیرالمؤمنین عثمان است آنچه بعد از واقعه او جمعی از مهاجر و انصار و اعیان و اشراف و غیر ایشان با من بیعت کردند و بر امامت و خلافت من متفق شده تو را معلوم شده باشد و کدام جماعت است که بعد از متابعت مخالفت کرده... (همان، ۴۵۴) درحالی که در متن اصلی واژه امامت به کار برده نشده و آمده "...وقد علمت ما کان من امر عثمان ابن عفان و بیعة المهاجرین و الانصار ایای... (همان، ۵۰۰/۲). و مترجم به همین یک مورد اکتفا نکرده و در چندین مورد دوباره واژه امامت را در کنار خلافت مطرح کرده است؛ درحالی‌که در متن اصلی آن چنین واژه‌ای به کار برده نشده (همان، ۴۵۵-۴۵۶) و همچنین در موردی مترجم، امام علی علیه السلام را نفس رسول خدا نامیده در صورتی که در متن اصلی چنین واژه‌ای به کار برده نشده است (ترجمه، ۸۱۱، متن عربی، ۴/۳۴۶).

دوباره حسن بن علی علیه السلام در ترجمه مکرر عبارت "ع" را به کار برده است (۴۲۱، ۴۴۵، ۵۴۰، ۴۱۵، ۷۵۱). اما در متن اصلی تنها چند مورد است که برای وی و پدرش لفظ "علیهم السلام" به کار برده است (همان، ۲/۴۶۶) و بقیه موارد بدون هیچ لفظی اسم او را به کار برده است. همچنین در متن اصلی برای از دنیا رفتن امام حسن علیه السلام نویسنده لفظ وفات را به کار برده است (همان، ۴/۳۱۸)، اما مترجم برای مرگ ایشان از کلمه "شهادت" استفاده کرده است (همان، ۷۹۱) که خود دلیلی بر گرایش‌های شیعی اوست. البته در مورد امام حسین علیه السلام مشترکات میان مترجم و نویسنده الفتح وجود دارد و آن این‌که هر دو لفظ

"علیه السلام" را به کار برده‌اند (ترجمه ۵۳۴؛ عربی ۷۳/۵). در مورد به کار بردن واژه امام برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام مترجم اکثر جاها از این واژه استفاده کرده‌است؛ برای مثال (همان، ۷۹۰) و ابن اعثم نیز گاهی از این واژه استفاده کرده‌است و حتی برای امام حسن علیه السلام در یک مورد اصطلاح "الامام العالی" را به کار برده‌است (همان، ۳۱۸/۴). مترجم برای علی بن حسین در ترجمه عنوان امام زین العابدین علیه السلام را آورده‌است اما در عربی چنین عنوانی وجود ندارد (متن، ۱۲۰/۵-۱۲۱؛ ترجمه ۹۱۴).

یکی از مطالبی که به وضوح گرایش شیعی مترجم را می‌دهد این است که مترجم در مورد اهل بیت صفت‌هایی را به کار برده که در متن اصلی نیست. به طور مثال زمانی که امام حسین علیه السلام در مورد خوابش باحضرت زینب صحبت می‌کند در ترجمه آمده حسین بن علی علیهما السلام فرمود: ای خواهر در این لحظه که چشم من گرم شد جد خود محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، پدر خویش علی مرتضی علیه السلام، مادر پاکیزه سیرت خود فاطمه زهرا و برادر والا گهرم حسن مجتبی علیهما السلام را به خواب دیدم (همان، ۹۰۰). در متن اصلی بدون به کار بردن چنین صفت‌هایی چنین آمده: "قال يا اختاه! اني رايت جدی فی المنام و ابی علیا و فاطمه امی و اخی الحسن علیهم السلام" (همان، ۹۷/۵).

در مورد اصطلاحات و عبارات به کار برده در مورد دشمنان اهل بیت، مترجم بیشتر از عباراتی که شیعیان به کار می‌برند استفاده کرده که این نیز خود دلیلی بر گرایش‌های شیعی اوست، مثلا در مورد شخص معاویه مترجم صفت جنایتکار را تحت عنوان "معاویه جنایتکار در هیئت صلح خواهی" را برای او به کار برده‌است (همان، ۶۴۸)؛ در حالی که در متن اصلی چنین نیست (همان، ۱۶۲-۱۶۳/۳). نیز مترجم اصحاب معاویه را "اهل بغی و تجاوز" معرفی می‌کند که در متن اصلی چنین عنوانی نیامده‌است (ترجمه، ۶۴۴؛ متن، ۱۵۹/۳). حتی در متن اصلی در یک مورد برای معاویه لفظ "رضی الله عنه" به کار برده شده‌است (همان، ۳۶۲/۲) که غریب می‌نماید و شاید از ناسخین باشد؛ زیرا که با شواهد و مباحث کتاب هماهنگی ندارد. مترجم برای ولیدبن عقبه که دشمن امام علی علیه السلام است. واژه ملعون را به کار برده‌است (همان، ۴۴۹). ولی در متن اصلی چنین واژه‌ای نیست (همان، ۴۹۵/۲). همچنین در مورد جعده همسر امام حسن علیهما السلام در ترجمه برای او لفظ ملعونه به کار برده

شده است (همان، ۷۹۱)، در حالی که در متن اصلی چنین صفتی به کار نرفته است (همان، ۳۲۱-۳۱۹/۴). در مورد کثیر بن عبدالله الشعبی که قرار بود از امام حسین بپرسد که چرا مکه را ترک کرده مترجم آورده "شعبی ملعون که دشمن خاندان رسول خدا (ص) بود" (همان، ۸۸۸). در حالی که در متن اصلی چنین نیامده است (همان، ۷۶/۵). همچنین در ترجمه برای مالک بن جوزه که به امام حسین ع گفت: "ای حسین بن علی به آتش تعجیل کردی پیش از آن که به دوزخ رسی اصطلاح "آن بدبخت ملعون" به کار برده شده (همان، ۸۹۹)، ولی در متن اصلی چنین اصطلاحی وجود ندارد (همان، ۹۶-۹۷/۵). البته در مورد عبدالرحمن بن ملجم، هم نویسنده و هم مترجم او را لعنت کرده اند. نویسنده لفظ "لعنه الله" برای او به کار برده است (همان، ۲۷۶/۴) و مترجم لفظ ملعون را (همان، ۷۵۱). در مورد شمر بن ذی الجوشن، مؤلف از لفظ "لعنه الله" استفاده کرده است (همان، ۸۹-۹۹/۵)؛ در حالی که مترجم هیچ لفظی در مورد او به کار نبرده است (همان، ۸۹۱-۹۰۰).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۹۹

نماد نگرش مذهبی در متن دو کتاب در موضوع سقیفه و خلافت ابوبکر

یکی از تفاوت‌های متن اصلی با ترجمه آن، که می‌توان بیشتر آن را حاصل گرایش‌های شیعی مترجم دانست، عباراتی است که توسط مترجم به متن اصلی افزوده شده است. البته مواردی از افزوده‌های او برخلاف تشیع است مانند این که برای شیعیان اصطلاح روافض را به کار می‌برد و یا در مورد مرگ ابوبکر غلو می‌کند. ولی در اکثر افزوده‌های او رد پای گرایش‌های شیعی نشان داده می‌شود. در ادامه به مواردی که حاصل گرایش‌های مذهبی مترجم است و به متن اصلی افزوده شده است اشاره می‌شود:

مترجم سخنانی از امام علی ع به دفاع از جانشینی خود بعد از رسول خدا ص اشاره کرده است که اصلاً در متن اصلی چنین سخنانی وجود ندارد؛ برای مثال، ابن اعثم در بحث سقیفه می‌نویسد: "جلس علی بن ابی طالب کرم الله وجهه فی منزله مغموما بامر النبی صلی الله علیه و سلم و عنده نفر من بنی هاشم و فیهم الزبیر بن العوام" (همان، ۶/۱) و در ادامه بحث سقیفه را مطرح می‌کند اما بحث رد و بدل شدن سخنانی بین علی بن ابی طالب ع با ابوبکر را مطرح نکرده است. در صورتی که در ترجمه، مترجم بعد از بیعت با ابوبکر آورده، که

"چون مردمان به تمامی بیعت کردند صدیق اکبر، علی بن ابی طالب را فراخواند او اجابت فرمود... و چون از او خواستند که بیعت کند، علی بن ابی طالب گفت: نه شما این منصب را از دست ما به حجت بیرون کردید و به وسیله قرابت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خویشتن را افزونی آوردید؟ من حجت شما بر شما به کار می‌دارم و دعوی شما به حجت می‌آرم از من بشنوید سخنی که باریک‌تر از موی است و شما را نیز مجال انصاف یافتید انصاف دهید و طریق صدق پویید" (همان، ۷). البته نظیر این سخنان را می‌توان در خود کلمات قصار امام علی عَلِيٌّ در نهج البلاغه نیز یافت؛ چنان که امام در حکمت ۱۹۰ می‌فرماید: "شگفتا! آیا معیار خلافت، صحابی پیامبر بودن است؟ اما صحابی بودن و خویشاوندی ملاک نیست (نهج البلاغه، ۴۷۷)؟ بلعمی در تاریخ‌نامه طبری نیز چنین جملاتی را که مستوفی هروی از زبان امام علی عَلِيٌّ نقل کرده است آورده، او می‌نویسد: "علی گفت: ای جماعت! شما این کار از دست انصار بیرون کردید که بر آن حجت آورید و به قرابت و خویشاوندی تمسک کردید زیرا که دعوی کردید که محمد علیه السلام از ما است پس ایشان از آن سبب شما را منقاد شدند و کار به شما تسلیم کردند و من بر شما حجت آورم بدانچه شما بر انصار حجت آوردید. ما به محمد اولی‌تریم در حال حیات وی و پس از وفات وی، زیرا که ما ایم اهل بیت وی و نزدیک‌ترین خلقان به وی، انصاف ما بدهید و حق ما از این کار بشناسید چنان‌که انصار حق شما بشناختند" (بلعمی، ۳/۳۴۳).

در ادامه سخنان امام علی عَلِيٌّ، مترجم الفتوح عَلِيٌّ چنین آورده است، ابوعبیده جراح گفت: "ای ابوالحسن! تو سزاوار این کاری و به زیادت از این هم سزاواری، هم سابقه سبقت و هم به فضل و قرابت اما صحابه رسول خدا محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتفافی کرده‌اند و کاری پدید آورده، تو نیز به رضای صحابه راضی باش و روی این مصلحت به ناخن منازعت مخراش. علی عَلِيٌّ [ع] گفت: "ای ابوعبیده تو برگزیده نبوتی و امین و معتمد این امتی، بر تن خویش ببخشای و آنچه راستی باشد بیمای، عبایی که از حضرت عزت به خاندان نبوت رسیده است به خاندان و دودمان خویش نقل مکنید."

این‌که مترجم ذکر می‌کند که امام علی عَلِيٌّ، ابوعبیده را برگزیده نبوت و امین امت خطاب می‌کند، نشانی از تسنن مترجم است، چه عموم نویسندگان سنی مذهب ابوعبیده را امین امت می‌دانند. در الطبقات الکبری در مورد امین امت بودن ابوعبیده روایاتی نقل شده از جمله

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۰۰

آمده که: "پیامبر ﷺ فرمود: هر امتی را امینی است و امین این امت ابو عبیده بن جراح است" و در ادامه، آمده است: "گروهی از مردم نجران به حضور پیامبر آمدند و گفتند: مرد امینی را همراه ما گسیل فرما فرمود: همراه شما مرد امینی را خواهیم فرستاد و سه بار فرمود مردی به راستی امین، گوید: تمام اصحاب رسول خدا آرزو داشتند که آن فضیلت ایشان را باشد و رسول ﷺ ابو عبیده بن جراح را همراه ایشان روانه فرمود" (ابن سعد، ۳/۳۵۴). همچنین بلعمی مانند عبارت مترجم الفتوح را آورده که امام علی علیه السلام، ابو عبیده را امین امت خطاب می‌کند (بلعمی، ۳/۳۴۳) از طرفی ابن قتیبه دینوری در جریان تعیین جانشین برای خلیفه دوم امین بودن ابو عبیده را مطرح می‌کند و این چنین می‌نویسد: "عمر گفت: چه کسی به من امر می‌کند برای خود جانشینی برگزینم اگر ابو عبیده را زنده می‌یافتم او را خلیفه قرار می‌دادم و روزی که پروردگار خود را دیدار کنم و از من پرسش کند چه کسی را برای امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خلیفه قرار دادی؟ خواهیم گفت پروردگارا، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌گفت هر امتی امینی دارد و امین این امت ابو عبیده است... (ابن قتیبه دینوری، ۱/۴۲) مانند این روایت را ابن اثیر نیز در کتاب الکامل خود نقل کرده است (ابن اثیر، الکامل، ۹/۱۰۷).

مترجم الفتوح در ادامه سخنان امام علی علیه السلام آورده است که امام علی علیه السلام فرمودند: "قرآن در خانه‌های ما فرود آمد و جبرئیل در اوطان ما وحی آورد کان علم و فقه، دین و سنت فریضه ماییم و مصالح خلق ما از همه بهتری دانیم پس روی به هوی نکنید و خویشان را در لجاج می‌فکنید که شما را زیان دارد" (۷). نظیر این سخنان از زبان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه نیز آمده چنانکه امام در خطبه ۱۰۹ می‌فرمایند: "ما از درخت رسالتیم، و از جایگاه رسالت و محل آمدوشد فرشتگان برخاستیم، ما معدن‌های دانش و چشمه‌سارهای حکمت الهی هستیم یاران و دوستان ما در انتظار رحمت پروردگارانند و دشمنان و کینه‌توزان ما در انتظار کیفر و لعنت خداوند به سر می‌برند (نهج البلاغه، ۱۴۷) همچنین امام در خطبه ۲ می‌فرمایند: "عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی و نگهبان کتاب‌های آسمانی و کوه‌های همیشه استوار دین خداوند، خدا به وسیله اهل بیت پشت خمیده دین را راست نمود و لرزش و اضطراب آن را از میان برداشت" (نهج البلاغه، ۲۹).

در ادامه مستوفی هروی آورده، بشیر بن البراء بر پای جست و گفت: ای ابوالحسن، به خدا قسم اگر این سخن تو پیش از عقد بیعت به سمع جمع رسیده بودی هیچ کس از صحابه تو را خلاف نکردی و یکدل و یکزبان با تو بیعت نمودندی اما تو در خانه خویش قرار گرفتی و از جماعت کنار کردی مردمان چنین پنداشتند که توبه‌خانه می‌جویی و از این کار کناره می‌گیری و چون سخن در پیش افتاد از جای درآمدی (همان، ۷). این بشیر که مترجم نامش را بشیر بن البراء آورده، اشتباه است و در منابع نام این شخص بشیر بن سعد انصاری است از جمله در تاریخ طبری (طبری، ۲۲۰/۳)، تاریخ یعقوبی (یعقوبی، ۱۲۳/۲)، الرده (واقفی، ۴۶)، الکامل (ابن اثیر، الکامل، ۲۱/۸)، امامت و سیاست (ابن قتیبه دینوری، ۲۵/۱)، انساب الاشراف (بلاذری، ۵۸/۱)، الاستیعاب (ابن عبدالبر، ۱۷۲/۱)، اسدالغابه (ابن اثیر، اسدالغابه، ۲۳۱/۱)، البدایه و النهایه (ابن کثیر، ۲۴۷/۵) اما در مورد شخص بشیر بن البراء، در منابع آمده که او کسی است که همراه پیامبر از گوشت آن بزغاله‌ای که زهرآلود بود و نزد پیامبر (ص) آوردند او خورده و در آن زمان از دنیا رفته است این موضوع در منابعی چون السیره النبویه (ابن هشام، ۳۳۸/۲) و سیرت رسول الله (قاضی ابرقوه، ۸۳۳/۲) ذکر شده است.

در ادامه علی [ع] گفت: ای بشیر پسندی که جسد مطهر رسول خدا ﷺ در خانه بگذاشتمی و تجهیز و تدفین او را مختصر داشتمی و کمر منازعت بستمی و در طلب خلافت بنشستمی؟ صدیق گفت: ای ابوالحسن اگر می‌دانستمی که تو در این کار با من منازعت کنی قبول نکردمی اکنون که مردمان بیعت کردند اگر تو هم موافقت نمای خطای ما صواب بوده باشد و اگر حال را اجابت نکنی و تامل و تفکر در این کار واجب داری بر تو حرجی نیست. علی [ع] بیعت نکرده از مجلس بازگشت... این جا سخن بسیار باشد که روافض و غیر ایشان بر سبیل غلو و مبالغت گویند و از ایراد آن جز تعرض و تهمت فایده نباشد (۸-۹) با مطرح کردن عنوان روافض برای شیعیان و این که مطرح می‌کند که شیعیان در این باب غلو می‌کند قطعی است که مترجم شیعه امامی نیست. این مطالبی که در این باب مترجم ذکر کرده است. در متن عربی وجود ندارد (همان، ۶/۱).

از تفاوت‌های دیگر متن عربی با ترجمه فارسی آن، غلو و مبالغه‌ای است که مترجم در مورد مرگ ابوبکر می‌کند. مترجم می‌نویسد: "در آن روز اضطراب تمام در مدینه افتاد و آواز گریه و

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۰۲

نوحه از هر کوچه بلند شد چنانکه در روز وفات پیغمبر ﷺ بود. و همچنین در مورد اینکه ابوبکر از عایشه خواسته بود که از پیامبر اجازه بگیرند و او را در کنار پیامبر دفن کنند و اگر پیامبر ﷺ اجازه نداد در قبرگاه مسلمانان خاک کنند. مترجم در ادامه غسل و کفن ابوبکر آورده " همه مردم در انتظار شدند که از پرده غیب چه پیدا آید. ناگاه در حال تخته‌هایی در روضه در یکدیگر بجنید و قفل جایی افتاد و پرده جایی و در روضه باز شد اجازت این بود... (همان، ۸۰) در صورتی که در متن اصلی ابن اعثم تنها در مورد وفات ابوبکر چنین نوشته: "فغسل ابوبکر و حنط و کفن و صلی علیه، ثم حمل علی اعواد المنایا و اتی به الی قبر النبی صلی الله علیه و سلم فحفر له فیه الی جنب النبی صلی الله علیه و سلم (همان، ۱/۱۲۳).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۰۳

توجه بیشتر به اخبار مورد توجه شیعه در متن فارسی به نسبت اصل عربی

در مورد مرگ شخص عثمان و سخنانی که از شخصی مصری در مورد عثمان مطرح می‌شود و نشان می‌دهد که عثمان مسلمان نبوده‌است که این مطالب در متن اصلی موجود نیست در متن اصلی آمده که علی امر کرد که عثمان را دفن کنند و در ادامه آمده "فقال رجل من المصریین و امه: لاندفنه الا فی مقابر الیهود" (همان، ۲/۴۳۶) و در ادامه سخنی دیگر از این مرد مطرح نشده‌است. اما مترجم نام این شخص را عبدالله بن سواد مطرح می‌کند و در ادامه اضافه می‌کند که این مرد می‌گوید: "هرگز نگذاریم او را در گورستان مسلمانان به خاک سپارند چه او مسلمان نبود چون به حقیقت شنیده شد که در ایام خلافت او، روزی از مسجد به سرای خویش می‌شد و بنی امیه در گرد او بودند ابوسفیان در آمده گفته: "یا بنی امیه تلفقوا تلفف اکره فوالذی یحلف به ابوسفیان ما من عذاب و لاحساب و لاجنه و لانار و لابعث و لاقیامه" یعنی ای بنی امیه بگیرید این پادشاهی را و دست به دست بگردانید و سوگند یاد کرد که نه عذابی است نه حسابی، نه بهشتی، نه دوزخی، نه حشری، نه قیامتی و عثمان به جای آنکه حد مرتد بر او براند و او را به قتل رساند از بیت‌المال مسلمین دو بیست هزار دینار در وجه او بذل کرد (همان، ۳۸۵). مانند این خطبه در تاریخ طبری نیز ذکر شده‌است که روایتی است از گفتار ابوسفیان که "ای بنی عبدمناف خلاف را چون گوی دست به دست کنید که نه بهشتی هست و نه جهنمی" (طبری، ۱۰/۵۸).

تفاوت دیگر این که، مترجم به خوشحالی عایشه بر مرگ عثمان اشاره کرده است (همان، ۳۸۶) که در متن اصلی وجود ندارد (همان، ۴۲۹/۲-۴۳۳). در پایان بحث مربوط به عثمان مترجم می‌نویسد: "ام المومنین عایشه صدیقه چنانکه بدان اشاره شد چندان که توانست و دانست مردم را در قتل عثمان تحریص می‌کرد تا گاهی که سفر مکه پیش داشت در مکه او را آگاهی دادند که عثمان به دست صناید اصحاب مقتول گشت نیک شاد شد فقالت ابعده الله بما قدمت یداه الحمد لله الذی قتله. عایشه در قتل عثمان خدای را شکرها بگذاشت و بر او لعن و نفرین فرستاد" (همان، ۳۸۶). که خود این مطلب که توسط مترجم مطرح می‌شود نشان از مخالفت بیهوده عایشه با امام علی علیه السلام دارد و اینکه عایشه قتل عثمان را بهانه‌ای برای شورش قرار داد وگرنه خود او بر مرگ عثمان، خدا را شکر کرده است. در مورد خوشحالی عایشه بر مرگ عثمان در تاریخ یعقوبی چنین آمده: "عثمان در خانه‌اش محاصره شد بیش از همه طلحه و زبیر و عایشه مردم را علیه او تحریک می‌کردند... مروان نزد عایشه رفت و گفت: ای ام المومنین کاش به پا می‌خواستی و میان این مرد و مردم سازش می‌دادی. گفت: من وسایل سفرم را آماده کرده‌ام و می‌خواهم به حج بروم. گفت که به جای هر دره‌می که خرج کرده‌ای دو درهم به تو داده می‌شود گفت: شاید تو گمان می‌کنی که من عثمان را نمی‌شناسم به خدا قسم دوست داشتم که او پاره پاره در جوالی از جوال‌های من بود و می‌توانستم او را حمل کنم و به دریا افکنم..." (یعقوبی، ۱۷۵/۲-۱۷۶).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۰۴

مقایسه تمایلات شیعی اصل عربی و ترجمه فارسی الفتوح در ذکر حوادث دوران «خلافت امام علی علیه السلام»

حوادث دوران خلافت علی علیه السلام در کتاب الفتوح و مخصوصاً در ترجمه آن مفصل‌تر از تواریخ عمومی ذکر شده ضمن این که طرفدارانه تر از تواریخی مثل طبری است و اخبار تک نگاری‌هایی مثل وقعه صفین نصر بن مزاحم شیعی مفصل در آن آمده است و این خود نشان از گرایش به ذکر رویدادهای مربوط به علی علیه السلام است. مترجم سخنی از امام حسن علیه السلام که در مورد وصی بودن امام علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله است را در متن آورده است (همان، ۴۴۵) که این سخن در متن اصلی وجود ندارد (همان، ۴۹۲/۲) در بحثی که بعد از جنگ جمل

مطرح می‌شود و بعد از اینکه امام علی علیه السلام، سلیمان بن سرد الخزاعی را بازخواست می‌کنند سلیمان به نزدحسن بن علی علیه السلام می‌رود و به ایشان می‌گوید که: "شرح نتوانم داد که امیرالمؤمنین مرا بر سر جمع چه سخنان سخت گفت و تا کدام غایت برنجانید و سرزنش کرد حسن گفت: ای سلیمان با دوست‌ها عتاب‌ها کنند از آن نباید رنجید سلیمان گفت: چنین است لکن هنوز کارها قرار کلی نگرفته و همه ولایتها محفوظ و مضبوط نگشته و اطراف معاند و مخالف بی‌شمار است به جز شمشیر تیز آنان را به راه راست نتوان آورد و لابد به مدد و معاونت امثال ما حاجت خواهد بود ما را نباید رنجانید تا سخن خویش می‌توان گفت ناخوش نباید" تا این قسمت متن اصلی با ترجمه یکی است اما ابن اعثم در ادامه آورده است " فقال له الحسن: ای رحمک الله! ما انت بالظنین" (همان، ۴۹۲/۲). اما مترجم به جای این سخن چنین آورده "حسن علیه السلام گفت چنین است اما اطاعت امام فرض یل واجب است امیرالمؤمنین وصی نبی و پیشوای خلق است و حق بیعت در گردن شما دارد. چگونه خود را راضی نمودی که جانب امیرالمؤمنین را فرو گذاشتی حال آنکه اعتمادی که ما را با تو است با دیگری نباشد و در دوستی تو مجال شبهت و ریبت نتواند بود" (همان، ۴۴۵).

مترجم پیرامون آیه‌ای که در مورد مومن بودن علی علیه السلام و فاسق بودن ولید بن عقبه است مطالبی آورده است که در متن اصلی وجود ندارد. در متن اصلی بعد از ذکر این آیه فقط مطرح کرده منظور از فاسق، ولید بن عقبه است "فنزلت فیه هذه الایه: "افمن کان مومنا کمن کان فاسقا لایستون" یعنی الولید بن عقبه" (همان، ۴۹۵/۲-۴۹۶) اما در ترجمه با توضیح بیشتر آمده "این آیه شریفی است که در حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام [منزل شده است او را مومن می‌خواند و ولید را که معاند و مخالف او بود فاسق می‌گوید و قول ولید را که می‌گفت من از تو بهتر و فصیح‌ترم، رد می‌کند و می‌فرماید: ایشان هر دو برابر نباشند که جای علی علیه السلام بهشت خواهد بود و جای ولید آتش دوزخ (همان، ۴۴۹).

تفاوت دیگر متن عربی با ترجمه فارسی آن، مربوط به بحث نامه پسر عم اشعث بن قیس که در خدمت امام علی علیه السلام بوده و نامه‌ای را به اشعث می‌نویسد، که مترجم مطالبی مطرح کرده در مورد بر حق بودن امام علی علیه السلام که در متن اصلی وجود ندارد. در متن اصلی چنین آمده: "...فألزم یا بن عم بیعه امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه، فانه افضل من

غیره، قد قلت ایباتها فاسمعها... (همان، ۵۰۳/۲) و در ترجمه چنین آمده: "زینهار که تامل و توقف بر خود نیاوری و متمسک به عذری نشوی و بیعت کنی که امیرالمؤمنین امروز امام برحق و خلیفه مطلق و از گذشته و آینده فاضلتر است باید آنچه نوشته‌ام، صدق دانی و مرا صدیق خود شماری والسلام" (همان، ۴۵۷). در کتاب وقعه صفین ذکر شده که امام علی علیه السلام نامه‌ای به اشعث فرستاده است و او را به خود دعوت کرده که از او اطاعت کند ولی هیچ ذکری از نامه‌ای که پسر عم اشعث به اشعث نوشته، نیامده است (نصربن مزاحم، ۲۱-۱۳۸۲: ۲۰) در الامامه و السیاسه آمده که جریر بن عبدالله نامه‌ای برای اشعث نوشته است و او را دعوت به اطاعت از امام علی علیه السلام کرده است و نه پسر عم اشعث، در آن نامه جریر بن عبدالله نوشته است: "بیعت با علی را پذیرفتم و راهی برای دفع آن نیافتم در کار عثمان نگاه کردم چیزی نیافتم که مرا مجبور کند، بیعت با علی را بپذیر زیرا تو راهی بهتر از راه علی رهنمون نخواهی شد بدانم بیعت با علی بهتر است از روبرو شدن با پهلوانان بصره، گاهی شتر ناآرام و بی‌تاب همچنان دوشیده می‌شود آنچه را گمان می‌کنی رفته است برمی‌گردد مواظب کار خود باش والسلام" (ابن قتیبه دینوری، ۱۱۲-۱۱۳).

تفاوت دیگر متن عربی با ترجمه فارسی آن، در بحث اشعث بن قیس است که اشعث مطرح می‌کند که بهتر است به معاویه بپیوند. خویشان او که اشعث را از این کار نهی می‌کنند. در سخنانشان بحث وصی بودن امام علی علیه السلام را مطرح می‌کنند که این بحث در متن اصلی اصلا مطرح نشده است. در ترجمه چنین آمده "که خویشان و مخلصان و دوستان او گفته: معاذالله مردن برای ما بهتر که به معاویه پیوستن و آن عیب و شین به خویش راه دادن چگونه تو اقربا و خویشان و عشایر را بگذاری و ترک شهر و خانه و وطن و کاشانه قدیم بگویی و پای از حد اطاعت و بیعت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و وصی او و پدر دو فرزند او بیرون نهی و به شام روی خدمت معاویه را بر علی ترجیح دهی؟" (همان، ۴۵۸). در حالی که ابن اعثم چنین آورده: "فقال له قومه و عشیرته: فالموت خیر لک من ذلک، اتترک قومک و مصرک و عشیرتک و تکون ذنبا لاهل الشام!" (همان، ۵۰۴/۲). در کتاب وقعه صفین در این باب آمده است: "چون (اشعث) به خانه آمد یارانش را بخواند و گفت: به راستی نامه علی مرا هراسان ساخته، او مال آذربایجان را

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۰۶

بی گمان باز خواهد گرفت و من باید به معاویه ببینم. یارانش گفتند: مرگ برای تو از این بهتر باشد. آیا سرزمین و خاندان خود را رها می کنی و ریزه خوار مردم شام می شوی؟ وی از این سرزنش شرمگین شد و به راه افتاد تا حضور علی رسید" (نصر بن مزاحم، ۲۱) در الامامه و السیاسة در این باب آمده: "فقال القوم: الموت خیر لک من ذلک، اتدع مصرک و جماعه قومک و تکون ذنبا لاهل الشام" (ابن قتیبہ دینوری، ۱/۱۱۲).

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۰۷

در بحث مشورت معاویه با عمروعاص در زمینه بیعت با امام علی علیه السلام نیز تفاوت هایی مشاهده می شود، مترجم قسمتی را آورده و از زبان عمروعاص مطرح می کند که دشمنی با علی علیه السلام دشمنی با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و پروردگار است که این قسمت در متن اصلی نیست. ابن اعثم چنین می نویسد: "...ورد هذه الیبعه خطر شدید و امر عظیم و راس اهل الشام الیوم شرحبیل بن السمط الکندی و هو عدو الجریر..". (همان، ۵۱۷/۲). در صورتی که در ترجمه چنین آمده: "عمرو گفت: شک نیست که با علی بیعت ناکردن کاری عظیم خطرناک است و گناهی بس بزرگ نزد خدای تعالی که به هیچ عذری معفو نخواهد بود زیرا که دشمنی با علی علیه السلام دشمنی با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و دشمنی با پیغمبر دشمنی با پروردگار است لیکن...". (همان، ۴۷۰) در این باب در وقعه صفین چنین آمده است، وقتی معاویه در مورد امام علی علیه السلام با عمرو عاص صحبت می کند و می گوید: "علی به کوفه آمد و آماده پیشروی ماست... عمروعاص در جواب او گفت: اما درباره علی، نه به خدا سوگند ای معاویه، عرب در هیچ چیزی از چیزها میان تو و او برابری نمی نهد... عمرو گفت: به پیکار با چه کس گفت به پیکار با علی. راوی گوید: عمرو گفت: ای معاویه تو را با علی همچون دو بار اشتر همسنگی و برابری نباشد نه تو را هجرت اوست و نه سابقه و نه هم صحبتی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نه جهادی و نه فقه و دانش او در دین و به خدا سوگند که بر سر این همه فعالیت و سرعت و پویایی و استوار گامی و بهره ای همراه با نکوداشتی از جانب خداست" (نصر بن مزاحم، ۳۷-۳۸).

از تفاوت های دیگر متن عربی با ترجمه فارسی، بحث گفتگوی میان عبدالرحمن بن غنم التمالی و شرحبیل بن السمط الکندی است. مترجم بعد از مطرح کردن گفتگوی آن دو طبق متن اصلی، در پایان از زبان عبدالرحمن در مورد امام علی علیه السلام این مطلب را آورده است: "...عاقل آن است که آخرت خود را از دست ندهد اگر دنیا و آخرت و

دین‌خواهی نزد علی علیه السلام شوکه هم نعمت و هم نام نیکو و هم ثواب آخرت یابی ..."
(ترجمه ۴۷۲-عربی ۵۱۸/۲-۵۱۹).

در متن پاسخ سعد وقاص به معاویه برای مخالفت با علی علیه السلام نیز تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که مترجم در پایان، نامه در فضیلت علی علیه السلام، قسمتی را آورده‌است که در متن اصلی موجود نیست. در متن اصلی و ترجمه چنین آمده: "اما بعد بدانند معاویه که امیرالمؤمنین عمر جمعی را در شورا داخل گردانیده بود که هر یک از ایشان اهلیت خلافت داشتند و هیچ یک را بر دیگری ترجیح و تفضیل نبود الا آن بود که حق هر یک از ایشان در شورا بود و هم علی را آن حق بود" (همان، ۵۳۰/۲). تا اینجا متن اصلی با ترجمه همخوانی دارد اما مترجم در پایان این قسمت اضافه کرده: "و فضایی و مناقبی که علی علیه السلام داشت هیچ کس از ایشان نداشت (همان، ۴۸۴). در وقعه صفین در مورد پاسخ سعدوقاص به معاویه آمده است: "اما بعد، عمر از قریش جز کسانی را که خلافت را سزاوار بودند در شوری وارد نکرد و هیچیک از ما از دیگری شایسته‌تر به احراز آن نبود مگر به اتفاق نظر خود ما بر او، با این تفاوت که آنچه ما داشتیم در علی نیز بود ولی آنچه او داشت در ما نبود... (نصر بن مزاحم، ۷۵). در اینجا همانطور که مشاهده می‌شود با توجه به اینکه وقعه صفین منبعی است که متقدم بر الفتوح است و در آن آمده‌است که سعد وقاص می‌گوید "علی آنچه داشت در ما نبود" منظور همان فضایل آن حضرت است و اضافه کردن این جمله توسط مترجم الفتوح دلیل بر شیعه‌امامی بودن او نیست اما گرایش او را به تشیع نشان می‌دهد.

از تفاوت‌های دیگر متن اصلی با ترجمه فارسی آن، در بحث دفاع از امام علی علیه السلام در مقابل معاویه توسط یکی از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام به نام سعید بن قیس است. امام علی علیه السلام قبل از جنگ صفین چند نفری را به نزد معاویه می‌فرستند تا او را نصیحت کنند که مترجم قسمتی را در دفاع از امام علی علیه السلام آورده‌است که در متن اصلی وجود ندارد (همان، ۱۹/۳-۲۳) مترجم می‌نویسد: "سعید گفت: ای معاویه ما رسولانیم، ما را به نزد تو فرستاده‌اند و بر زفان ما پیغامی داده‌اند رسول در آنچه گوید بر او قیدی و بندی نباشد علی علیه السلام آن کسی است که تو او را از ما بهتر دانی و همه عالم او را در فضل و علم و سابقه و آثار حمیده و فضایل پسندیده دانند و شناسند... (همان، ۵۳۲).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶



مترجم به تفصیل از صفات امام علی علیه السلام از زبان ابوهریره و ابودرداء در نزد معاویه سخن می‌گوید و این که آن دو به معاویه گوشزد می‌کنند که جنگ با امام علی علیه السلام باعث می‌شود که خدا و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با او دشمن شوند. مترجم چنین نوشته است: "القصه دیگر روز ابوهریره و ابودرداء از لشکر امیرالمؤمنین علی علیه السلام [بیرون آمدند و به نزدیک معاویه شده او را گفتند: ای معاویه چرا با مسلمانان جنگ می‌کنی؟ و به چه سبب روا می‌داری که خون چند تن از اهل اسلام ریخته گردد راستی را می‌توان گفت که علی بن ابی طالب علیه السلام در کار خلافت از تو اولی تر است به حکم سابقت که در دین دارد و فضیلتی که در اسلام او حاصل است و غزواتی که در پیش مصطفی صلی الله علیه و آله کرده است و تو بیش از همه وسایل حمیده و سوابق مرضیه او بهتر دانی و بر علم و فضل و خصال جمیل او از همگان واقفتر باشی بدان حاجت نداریم که او را بر تو بشناسیم و محاسن اخلاق و محامد اعراق او را شرح دهیم و تو با وجود او اهل خلافت نباشی پس چرا از برای حطام دنیوی که لعنت خدای بر آن باد با چنین مردی نزاع و خصومت کنی و خلل در دین خود اندازی؟ از خدای بترس ای پسر ابوسفیان و خدای سبحانه و رسول خدای صلی الله علیه و آله را بر خود دشمن مکن با این همه نصیحت از برای تو می‌کنیم باقی تو دانی؟" (۵۴۶-۵۴۵) در صورتی که در متن اصلی ابن اعثم چنین نوشته است: "ابوهریره و ابوالدرداء حتی دخلا علی معاویه فقال له: یا معاویه! علام تقابل علی بن ابی طالب و هو احق بهذه الامر منك لسابقته فی الدین و فضیلته فی الاسلام و هو رجل من المهاجرین الاولین السابقین و انت رجل طلیق و کان ابوک من الاحزاب؟" (همان، ۶۱/۳-۶۲).

مترجم در هنگام مطرح نمودن مذاکرات بین عمروعاص و امام علی علیه السلام است که در هر دو متن قسمتی از فضیلت‌های امام علی علیه السلام از زبان عمروعاص را بیان می‌کند (همان، ۱۶۹-۱۷۰/۳). اما مترجم در ادامه سخنانی را از عمروعاص، بر برتری امام علی علیه السلام مطرح می‌کند که در متن اصلی نیست مترجم چنین اضافه کرده است که عمروعاص می‌گوید: "به خدای که ما سوابق حمیده و وسایل مرضی که علی علیه السلام را در خدمت مصطفی صلی الله علیه و آله است می‌دانیم و بر اوایل و اواخر آن از همه عالم وقوف بیشتر داریم و آثار نیکو و مقامات مشهور که یاران او راست از مهاجر و انصار انکار نمی‌کنیم و به قلیل و

کثیر آن عالمیم و بر دقیق و جلیل آن وقوف داریم و خود فضایل و مناقب و مآثر و محاسن علی علیه السلام را چگونه انکار توان کرد... مکارم شیم و مآثر سیر علی ابوطالب علیه السلام از شرح مستغنی و بدان احتیاج نیست که در تقریر آن خوضی رود... " (همان، ۶۵۷).

مترجم داستان مهمانی امام علی علیه السلام در شب نوزدهم ماه رمضان در خانه دخترش ام کلثوم را آورده (همان، ۷۴۷) که در متن عربی چنین مطالبی ذکر نشده است. در مورد زمان شهادت امام علی علیه السلام در مناقب آل ابی طالب آمده است "قبض قتیلای فی مسجد الکوفه وقت التتویر لیلہ الجمعہ لتسعہ عشر مضین من شهر رمضان" (ابن شهر آشوب، ۳/ ۳۰۷) اما در تاریخ طبری در مورد زمان ضربت خوردن حضرت علیه السلام نوشته: "ابومعشر می گوید: علی در ماه رمضان به روز جمعه هفدهم ماه به سال چهارم کشته شد. واقدی نیز چنین گفته، اما علی بن محمد گوید: علی بن ابی طالب در کوفه به روز جمعه یازدهم ماه و به قولی سیزدهم ماه رمضان سال چهارم کشته شد (طبری، ۵/ ۱۴۳) در مقاتل الطالبیین آمده، که ابومخنف زمان ضربت خوردن حضرت را شب نوزدهم ماه رمضان می داند ولی ابوعبدالرحمن سلمی آن را شب هفدهم ماه رمضان می داند. ابوالفرج اصفهانی نظر ابوعبدالرحمن سلمی را صحیح می داند (اصفهانی، ۱/ ۳۸) ابن ابی الحدید در این باره می گوید: "و قتل علی لیلہ الجمعہ لثلاث عشره بقین من شهر رمضان سنه اربعین فی روایه ابی عبدالرحمن السلمی و هی روایه المشهوره و فی روایه ابی مخنف انها کانت لاحدی عشره لیلہ بقین من شهر رمضان و علیه الشیعہ فی زماننا و القول الاول اثبت عند المحدثین و الیلہ السابعه عشره من شهر رمضان هی لیلہ بدر و قد کانت الروایات وردت انه یقتل فی لیلہ بدر.. " (ابن ابی الحدید، ۱/ ۱۵-۱۶). طبرسی زمان ضربت خوردن حضرت را شب چهارشنبه نوزدهم ماه مبارک رمضان می داند (طبرسی، ۲۸۹) ابن اثیر روایت صحیح را در این باب، هفدهم ماه رمضان می داند (ابن اثیر، الکامل، ۱۰/ ۲۱۷) با توجه به این که اکثرا روایات اهل تسنن زمان ضربت خوردن حضرت را شب هفدهم ماه رمضان می دانند احتمالا مترجم تحت تأثیر روایات شیعه آن شب را، شب نوزدهم ماه رمضان می داند.

در ادامه بحث شهادت امام علی علیه السلام مترجم مباحثی در مورد آنکه امام علی علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب می بیند و از خصومت امت و ناراستی و ناهمواری ایشان به پیامبر

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۱۰

شکایت کردند همچنین به اخباری از آگاه بودن امام علی علیه السلام از شهادتش و داستان گیر کردن قلاب در کمر بند آن حضرت و اشک ریختن ام کلثوم و اصرار حسن بر همراهی پدر را آورده که در متن عربی آن خبری از این مطالب نیست (ترجمه ۷۴۷-۷۴۹ مقایسه شود با متن عربی ۲۷۶/۴-۲۷۹) در منابع دیگر از جمله منابع شیعی این مطالب وجود دارد از جمله شیخ مفید به وقایع قبل از شهادت امام علی علیه السلام اشاره کرده که ایشان آگاه بر شهادت خود بودند و از ام کلثوم می‌خواهند که بی‌تابی نکند و همچنین به خواب امام علیه السلام که پیامبر را در خواب می‌بینند و بدان حضرت از رنج‌ها و دشمنی‌هایی که از امتش به ایشان رسیده شکایت می‌کنند، اشاره کرده است (شیخ مفید، ۱۳/۱-۱۵) همچنین امام علی علیه السلام در نهج البلاغه در خطبه ۷۰ در مورد خواب خود و شکوه‌اش به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: "همان گونه که نشسته بودم خواب چشمانم را ربود رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم پس گفتم ای رسول خدا از امت تو چه تلخی‌ها دیدم و از لجبازی و دشمنی آنها چه کشیدم! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نفرینشان کن گفتم خدا بهتر از آنان را به من بدهد، و به جای من شخص بدی را بر آنها مسلط گرداند (نهج البلاغه، ۸۵). در مقاتل الطالبیین و الکامل به خواب حضرت و همچنین اینکه امام حسن علیه السلام، پدرشان را در آن شب همراهی کرده‌اند اشاره شده است (اصفهانی، ۱/۵۴-۵۴ ابن اثیر، الکامل، ۱۰/۲۱۸) مطالبی که مترجم در مورد وقایع قبل از شهادت امام علی علیه السلام نوشته، کاملاً متأثر از روایات شیعی است.

از نکات دیگر مطرح شده توسط مترجم که کاملاً گرایش‌های شیعی او را نشان می‌دهد، در هنگامی است که مترجم تنفر خود را از دشمنان امام علی علیه السلام مطرح می‌کند و از علی با عنوان نفس رسول یاد می‌کند که از این مطالب در متن عربی خبری نیست در متن عربی آمده "ثم انهم سبوا علی بن ابی طالب رضی الله عنه و قالوا فیه القبیح" (همان، ۴/۳۴۶). در ترجمه چنین آمده "و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را دشنام‌ها دادند و خاک خذلان بر فرق و دهان خود ریختند و نفس رسول را ناسزا گفتند و به جهت خشنودی معاویه و یزید دنیای دنی را بر بهشت باقی اختیار نمودند" (همان، ۸۱۱).

تفاوت نگاه مترجم با مؤلف در ذکر برخی رویدادهای مورد توجه شیعه

یکی از مباحث‌ها که حاصل تفاوت گرایش‌های شیعی در ترجمه الفتوح با متن عربی آن است، تغییراتی است که توسط مترجم در متن ایجاد شده‌است که بیشتر این تغییرات با رویکرد گرایش شیعی توسط مترجم انجام شده‌است. در ادامه به این تغییرات توسط مترجم اشاره خواهد شد:

در بحث مشورت ابوبکر با اصحاب در فتح بلاد شام بعد از اینکه امام علی علیه السلام نظر خود را مطرح می‌نماید. در متن عربی آمده که ابوبکر گفت: "لقد سررتنی به سرک الله" (همان، ۸۱/۱) در صورتی که در ترجمه آمده‌است "ابوبکر روی به یاران آورد و گفت: ای مسلمانان این مرد وارث علم پیغمبر است هر که در صدق او به گمان بود بی‌گمان منافق باشد" (همان، ۵۵).

در مورد زمان مرگ عمر، ابن اعثم روایتی از جعفر بن محمد علیه السلام آورده و در این روایت آمده که علی بن ابی طالب علیه السلام عمر را غسل داده‌است (همان، ۳۳۰/۲). در صورتی که مترجم نام جعفر بن محمد علیه السلام را نیاورده و فقط نوشته‌است "روایت کنند" و ذکر می‌کند امام علی علیه السلام شستن عمر را به "افلح" واگذار کردند (همان، ۲۷۴).

از تغییرات دیگر توسط مترجم، در مورد دعای حضرت علی علیه السلام بعد از سخنرانی با لشکریان است که مترجم در پایان دعا "صلی الله علیه و آله" را آورده‌است (عربی، ۴۸۸/۲) مقایسه شود با ترجمه (۴۴۲).

در بحث مناظره بین عمار و عمرو بن عاص در جنگ صفین، وقتی عمار می‌گوید: "الست تعلم ان النبی صلی الله علیه و سلم قال: من کنت مولاه فعلی مولاه" (همان، ۷۷/۳) مترجم کلمه مولا را دوست ترجمه کرده‌است (همان، ۵۶۷) علامه امینی رضوان الله تعالی علیه حدود ۲۷ معنا برای کلمه مولا ذکر کرده‌است: ۱- رب ۲- عم ۳- ابن عم ۴- ابن ۵- ابن اخت ۶- معتق (آزاد کننده) ۷- معتق (آزاد کرده شده) ۸- عبد ۹- مالک ۱۰- تابع منعم علیه ۱۲- شریک ۱۳- حلیف ۱۴- صاحب ۱۵- جار ۱۶- نزیل ۱۷- صهر ۱۸- قریب ۱۹- منعم ۲۰- عقیده ۲۱- ولی ۲۲- اولی بالشیء ۲۳- سید ۲۴- محب ۲۵- ناصر ۲۶- متصرف در امر ۲۷- متولی در امر (علامه امینی، ۳۲۶/۲) اهل تسنن برای

کلمه مولا، معنای دوست را در نظر گرفته اند و با توجه به این که مترجم همین معنا را بیان کرده، همین مطلب نشان می دهد که او شیعه امامی نیست.

در متن اصلی نام یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام "علی فی الرضاع" آمده است (همان، ۱۱۵/۵) در صورتی که مترجم نام او را علی اصغر نوشته است (همان، ۹۰۸) در حالی که تاریخ نویسان قبل از او از جمله ابومنخف (طبری، ۴۴۸/۵) و بلاذری (بلاذری، ۲۰۰/۳) از او با نام "عبدالله" یاد کرده اند. البته در بعضی از منابع از جمله تاریخ یعقوبی (یعقوبی، ۱۸۲/۲-۱۸۱) و اخبار الطوال (دینوری، ۲۵۸) نام او را ذکر نکرده اند و فقط گفته اند که او کودکی خردسال بوده است.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۱۳

از تغییرات دیگر توسط مترجم در مورد یکی دیگر از فرزندان حسین بن علی علیه السلام است که در حادثه کربلا زنده مانده است که در متن اصلی آمده "...فبقي الحسين فریدا و حیدا لیس معه ثان الا ابنه علی رضی الله عنه و هو یومئذ ابن سبع سنین..." (۱۱۵/۵) مترجم او را برادرزاده امام دانسته و نام او را عمر نوشته است (همان، ۹۰۸) در منابع دیگر از جمله تاریخ طبری آمده که نام او را عمر، و فرزند امام حسن علیه السلام است (طبری، ۴۶۹/۵) دینوری نام او را عمر ذکر کرده است ولی با این تفاوت که او را فرزند امام حسین علیه السلام می داند (دینوری، ۲۵۹) در طبقات الکبری نام او عمرو بن حسن بن علی ذکر شده است (ابن سعد، ۱۰۶/۵-۱۰۷) در الکامل هم نام او عمرو بن حسن ذکر شده است (ابن اثیر، الکامل، ۲۰۹/۱۱) البته در الارشاد آمده که عمر بن حسن در رکاب عموی خویش به شهادت رسیده است (شیخ مفید، ۲۳/۲).

در توجه به نوع نگاه مذهبی مؤلف و مترجم به این نکته باید توجه داشت که مؤلف در شهری شیعی می زیسته و برخی اخبار شیعی را صریح تر می توانسته است در اثرش ذکر کند و مواردی اندکی که مؤلف از مترجم شیعی تر سخن می کند را باید از این زاویه هم نگریست و مترجم در محیط سنی خراسان خوارزم و تایباد در آخر قرن ششم قمری با احتیاط بیشتری درباره مثلاً دیت غدیر دست به قلم می شود اما درباره دیدگاهها و حس شیعی قوی تری که در موارد بیشتری مترجم به نسبت مؤلف بدان پرداخته است این نکته را باید در نظر داشت که رشد تشیع و یا لااقل توجه به اهل بیت علیهم السلام از اوایل قرن چهارم تا اواخر قرن ششم بسیار

بیشتر شده بود. خوارزمشاهیان به لحاظ زمانی کمی بعد از تالیف این کتاب دم از خلافت شخصی علوی می‌زدند. وزراء شیعی در خلافت عباسی قدرت یافته بودند (ابن کثیر، ۱۳/ ۲۱۲) در فاصله یک قرن و نیم بین زمان مؤلف تا زمان مترجم حکومت شیعی آل بویه (۴۴۷-۳۲۰) آمده بود و رفته بود و حکومت شیعی (۵۴۵-۳۵۰) مزیدیان که حامی اندیشه شیعی و طرفداران اهل بیت بود، آثارش باقی بود (عباسی و دیگران، ۱۱۴) طبیعتاً این فاصله زمانی و این رخدادها تا حدودی بر نوع نگرش مترجم تأثیرگذار بوده است.

تمایلات ضد امامی مترجم و نمود آن در ترجمه الفتوح

یکی دیگر مواردی که می‌توان آن را حاصل تأثیر گرایش‌های شیعی چه در متن اصلی و چه در ترجمه دانست بحث مختصرنویسی و حذفیات متن اصلی است که توسط مترجم انجام شده است که با توجه به بررسی نشان داده می‌شود در متن اصلی احادیث و مطالبی با رویکرد گرایش شیعی آمده که توسط مترجم یا حذف شده است و یا به صورت مختصر نوشته شده که به آنها اشاره می‌شود:

در متن اصلی ام سلمه با عایشه می‌گوید "فقد سمعته صلی الله علیه و سلم یقول: علی خلیفتی علیکم فی حیاتی و مماتی فمن عصاه فقد عصانی" (همان، ۴۵۵/۲). در ترجمه آمده: "از او بپرس تا با تو بگوید رسول خدا در حق علی نگفته است: علی خلیفه من است در حالت حیات و ممات؟ و در ادامه آن فمن عصاه فقد عصانی را ترجمه نکرده است (همان، ۴۰۸) در اینجا تمایل ضد امامی هست و یا حساسیت بیشتری که مترجم جهت رعایت اعتبار ابوبکر دارد.

در جنگ صفین در بحث مناظره‌ای که بین عمار و عمرو بن عاص برگزار شد، در متن اصلی آمده است عمار می‌گوید "... الست تعلم ان النبی صلی الله علیه و سلم قال: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم و ال من والا و عاد من عادا و انصر من نصره و اخذل من خذله؟ فانا مولی الله و لرسوله و علی مولای من بعده و انت فلامولی لک (همان، ۷۷/۳). در ترجمه آمده است "ای ناکس ابتر نشنیده‌ایی که مصطفی ﷺ فرموده است من دوست خدا و رسول اویم و علی دوست من و تو را در جهان بغیر از شیطان دوستی نیست؟ (همان، ۵۶۷).

با توجه به بررسی این دو قسمت اخیر گرایش های شیعی نویسنده نیز روشن می شود که در این دو قسمت بحث تایید ولایت و وصی بودن امام علی علیه السلام توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای کامل توسط نویسنده مطرح شده است. اما مترجم آنها را مختصر کرده است. مترجم قسمت هایی از سخنرانی از زحربن قیس که در مورد نقص بیعت طلحه و زبیر و عایشه را حذف کرده است (عربی ۵۰۱/۲ - ۵۰۲ مقایسه شود با ترجمه ۴۵۵-۴۵۶) که در اینجا تمایل مترجم به اعتبار این سه نفر بیشتر است.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

در متن اصلی گزارشی آمده که جنیان برای عمر عزاداری می کنند و صدای آنها به مردم مدینه می رسد که این متن در ترجمه نیامده است (همان، ۳۳۰/۲). در اینجا مترجم ظاهراً نمی خواهد چنین اعتباری را برای عمر قرار دهد.

۱۱۵

در متن اصلی بحثی مطرح شده بین امام علی علیه السلام و سه نفر دیگر که در این بحث امام علی علیه السلام مطرح می کنند که بیعت ایشان بر اساس خواسته خود مردم بوده است و همچنین به توصیف شخص معاویه می پردازند که این قسمت ها توسط مترجم حذف شده است (همان، ۲۲/۳-۲۳).

در متن اصلی مناظرات حضرت زینب و امام زین العابدین علیه السلام بعد از واقعه کربلا بر یکامل توضیح داده شده است ولی در ترجمه فقط به آن اشاره کرده است (عربی ۱۲۱-۵/۱۲۳ مقایسه شود با ترجمه ۹۱۴).

در متن اصلی اتفاقات بعد از شهادت امام حسین علیه السلام مطرح شده است اما مترجم فقط تا شهادت امام حسین علیه السلام را ترجمه کرده است و ادامه نداده است (عربی ۱۲۰/۵-۱۳۴ مقایسه شود با ترجمه ۹۱۱-۹۱۴).

نتیجه

با توجه به بررسی های انجام شده همانطور که نشان داده شد، مترجم در مبحث هایی که به متن اضافه کرده و تغییراتی که در متن ایجاد کرده است بیشتر سمت و سوی شیعی داشته است و همچنین در مورد امامان شیعه و دشمنان اهل بیت از اصطلاحاتی استفاده کرده که بیشتر شیعیان استفاده می کنند. البته مترجم، متن هایی که در بحث اثبات ولایت

امام علی علیه السلام است را بسیار مختصر کرده است و یاحتی اصطلاح روافض را برای شیعیان به کار می برد و این شواهد که در سراسر متن کم نیست نشان از این دارد که وی به هیچ روی شیعه امامیه نیست. ولی با این حال تأثیر گرایش های شیعی او در متن بسیار زیاد است. در مورد ابن اعثم، او احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد اثبات ولایت امام علی علیه السلام و وقایع کربلا و مناظرات حضرت زینب علیها السلام و امام زین العابدین علیه السلام را برای کامل با نگاه شیعی بیان کرده است. ولی در اصطلاحات در مورد امامان، بسیار به ندرت مانند شیعیان سخن گفته است. به این ترتیب چه مؤلف و چه مترجم هر دو متأثر از گرایش های شیعی بوده و آن را در متن نشان داده اند ولی هیچ کدام از آن دو شیعه امامیه محسوب نمی شوند. در مواردی حس غیر امامی در متن مترجم مشهودتر است هر چند گرایش های شیعی مترجم در مجموع قوی تر است و دلیل این موضوع تا حدودی به شرایط متفاوت زمانی و مکانی مؤلف و مترجم مربوط می شود.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۱۶

منابع

- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، جلد اول، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۳ ش.
- ابن اعثم کوفی، الفتوح، تحقیق علی شیری، جلد ۱-۸، الطبعة الاولى، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱.
- ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، جلد دهم و یازدهم، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ ش.
- ابن اثیر، عزالدین علی، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، جلد اول وهشتم ونهم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹.
- ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، جلد سوم و پنجم، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ ش.
- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ ش.
- ابن قتیبہ دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم، الامامه و السیاسه المعروف بتاريخ الخلفاء، تحقیق علی شیری، جلد اول، ط الاولى، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۰.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، البدايه والنهایه، جلد پنجم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، جلد اول، ط الاولى، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲.
- ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، جلد اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
- اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین، مقاتل الطالبیین، ترجمه جواد فاضل، جلد اول، تهران، کتابفروشی علی اکبر علمی، ۱۳۳۹ ش.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۱۷

- بروکلمان، کارل، تاریخ الادب العربی، ترجمه عربی دکتر عبدالحلیم نجار، مصر، دارالمعارف، ۱۹۶۹م.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، کتاب جمل من انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، جلد اول و سوم، ط الاولی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷.
- بلعمی، تاریخنامه طبری، تحقیق محمدروشن، جلد سوم، چاپ سوم، تهران، البرز، ۱۳۷۳ش.
- تهرانی، شیخ آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد سوم، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- جعفریان، رسول، منابع تاریخ اسلام، چاپ اول، تهران، نشر علم، ۱۳۹۳ش.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.
- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المومنین، جلد اول، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- شیخ مفید، ارشاد، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران، ناشر اسلامیه، بی تا.
- طباطبایی مجد (مصحح)، الفتوح، ابن اعثم کوفی، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، جلد سوم و پنجم و دهم، ط الثانیه، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ش.
- طبرسی، امین الاسلام، اعلام الوری باعلام الهدی، ترجمه عزیزالله عطاردی، چاپ اول، تهران، ناشر اسلامیه، ۱۳۹۰ش.
- عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، جلد اول، حیدرآباد، دکن، ۱۳۳۱ش.
- علامه امینی، الغدیر فی الکتاب والسنه والادب، ترجمه جمعی از نویسندگان، جلد دوم، ناشر بنیاد بعثت، تهران، بی تا.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۱۸

- عباسی، علی اکبر و فروهی آرمان، تاریخ جامع دولتهای شیعه، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی، ویراست دوم، ۱۳۹۶ش.
- قاضی ابرقوه، رفیع الدین اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله، تحقیق اصغر مهدوی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، جلد اول، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۳۰۴ش.
- مستوفی هروی (مترجم)، محمد بن احمد، الفتوح، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- مدرسی تبریزی، محمدعلی، ریحانه الادب، جلد پنجم، تهران، کتاب فروشی خیام، ۱۳۶۰ش.
- نصر بن مزاحم، وقعه صفین، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، الطبعة الثانية، القاهرة، الموسسه العربیه الحدیثه، ۱۳۸۲ش.
- نهج البلاغه، گردآورنده محمد بن حسین شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، چاپ چهارم، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
- واقدی، محمد بن عمر، الرده، تحقیق یحیی الجبوری، ط الاولی، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۰.
- یاقوت حموی، ابو عبدالله، معجم الادباء، ترجمه عبدالمحمد آیتی، جلد اول، چاپ اول، تهران، سروش، ۱۳۸۱ش.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب، تاریخ الیعقوبی، جلد دوم، بیروت، دارصادر، بی تا.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۱۱۹